

بررسی حجیت شرعی و قانونی نگهداری یا عدم نگهداری عده در زنانی که به واسطه خارج سازی رحم یا تخمدان فاقد قدرت باروری اند

محمد مهدی اشکاران^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی حجیت شرعی و قانونی نگهداری یا عدم نگهداری عده در زنانی که به واسطه خارج سازی رحم یا تخمدان فاقد قدرت باروری اند می باشد. تحقیق پیش رو به صورت تحلیلی بوده و به بررسی و تحلیل تحقیقات انجام شده در این حوزه می پردازد. احکام مربوط به عده زنان در قوانین اسلامی متناسب با کرامت و ارزش انسانی زنان وضع و تشریح شده است. این تکلیف (عده) آثار فقهی و حقوقی فراوانی به دنبال دارد و گستره آن بسیاری از زنان جامعه را شامل می شود؛ عده‌ی زنان در قوانین اسلام متناسب با ارزش و کرامت انسانی آنها وضع شده است. عده که نوعی تکلیف برای زنان است، آثار فقهی و همچنین حقوقی فراوانی را در بر می گیرد و گستره‌ی عظیمی از زنان در جامعه را در بر می گیرد. به همین جهت حالات و وضعیت‌های مختلف زنان با توجه به سرعت پیشرفت علم به ویژه علم پزشکی و امکان خارج کردن رحم از بدن ایجاب می کند که شناخت دقیق و کاملی از مسئله عده به دست آوریم چرا که از اهمیت بالایی برخوردار است و سوالات زیادی نیز در این زمینه ممکن است مطرح شود.

واژگان کلیدی

حجیت شرعی و قانونی، عده زنان، قدرت باروری

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران.

مقدمه

بر اساس ادله فقهی در شریعت اسلام در بیشتر موارد زنی که زوجیتش منحل شود، وظیفه دارد تا مدت زمان معینی را از ازدواج خوداری کند این زمان را در فقه و قانون «عده» می نامند (علامه حلی، بی تا، ص ۱۴۷؛ بحرانی بی تا ج ۲۵ ص ۳۹۱). این عنوان موضوع مقررات بسیاری قرار گرفته است البته عده نگه داشتن در میان ملل و اقوام دیگر نیز وجود داشته است؛ ولی از آن رو که آنان برای زنان ارزش و شأن و منزلت انسانی قائل نبودند؛ بلکه آنان را همانند کالایی می پنداشتند در برخی، قبائل هر زمان که مردی از دنیا میرفت، پدر برادر یا خویشان وی عباپی بر سر زن میافکند و وی را به ارث میرسد یا مانع ازدواج زن برای همیشه میشد و معمولاً میراث و اموالش نیز تصرف میشد؛ ولی قرآن کریم با نزول آیه ۱۹ سوره نساء، این سنت ناپسند را منع کرد (خزائلی، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۰۰-۹۹) در برخی قبایل دیگر، زن می بایست بعد از وفات شوهرش حداقل یک سال تمام یا تا آخر عمر بر بالای قبر شوهرش خیمه سیاه و چرک آلودی برپا میکرد و با لباس زشت و مندرسی به عزاداری می پرداخت. در آن روزگار چنانچه کسی میخواست بعد از یک سال یا بیشتر از عده خارج شود، باید گوسفند یا حیوان دیگری را به صورت گرسنه و تشنه نگه میداشت سپس آنقدر حیوان را میزد تا بمیرد، بعد سرگین شتر یا حیوان دیگر را برداشته به نقطه دوری، برده پرتاب میکرد و بدین روش از عده بیرون میآمد (نوری ۱۳۶۰ ش، ص ۶۱۷؛ طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲).

با آمدن اسلام بر همه خرافات یاد شده، خط بطلانی کشیده شد و با توجه به حکمت های مهم زندگی زنان در این شرایط برای زنان مطلقه یا شوهر مرده، عده تشریح شد؛ از حکمت های این تشریح احکام اطمینان یافتن از برائت رحم و جلوگیری از اختلاط انساب است (صدوق ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۵۰۸) و این حکمت در تعیین زمان عده در زنان مطلقه به سه حیض یا سه ماه به جهت اطمینان از پاک بودن رحم از طفل معین شد پیرو این امر فقیهان امامیه نیز در تعریف عده آورده اند که عده مدت زمانی است برای آنکه رحم زن واقعاً یا بعداً از حمل پاک شود (بحرانی، بی تا ج ۲۵، ص ۲۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۲، ص ۲۱۲). از حکمت های دیگر این قانون امکان رجوع کردن به زوج «(بقره، ۲۲۸؛ طلاق، ۱)؛ حفظ حیات جنین و یا به جهت نشانه عزاداری و احترام گذاردن به همسر خویش می باشد (طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲).

بر این اساس در برخی روایات علت تعیین مدت عده وفات به چهار ماه و ده روز اینگونه بیان شده است حداکثر تحمل زنان نسبت به ترک آمیزش در غالب زنان چهار ماه است؛ از این رو عده وفات نیز متناسب با میزان تحمل و بردباری آنان چهار ماه و ده روز تعیین شده است (صدوق، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۵۰۸). تحقق عده وابسته به صدق عناوینی مانند عده طلاق «(عده وفات)»، «عده حمل»، «عده فسخ نکاح»، عده بذل و انقضای مدت است؛ در مقابل برخی عناوین همچون «العدة من الماء»، «غیر مدخول بها»، «یاثسه»، «زن زانیه یا وطی به شبهه سبب میشود تا این گونه زنان عده ای نداشته باشد، اکنون پرسش این پژوهش درباره بررسی حجیت شرعی و قانونی نگهداری یا عدم نگهداری عده در زنانی که به واسطه خارج سازی رحم یا تخمدان فاقد قدرت باروری اند، می باشد.

مفهوم شناسی واژه «عده»

واژه «عده» به کسر عین و فتح دال مشدد اسم مصدرش «اعتداد» است و از ریشه «عدد» گرفته شده که جمع آن عدد است و عددت الشی به معنای احصاء و شمارش آن شیئی و یا گروه است خواه کم و یا زیاد (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۷۹) واژه عدد در لغت به معنای گروه و شمار کردن آمده است، مانند: "وکل شی أحصیناه عدداً" (جن، ۲۸). عده به

کسر اول، شی معدود است چنانچه در مفردات آمده: «العدة هي الشيء المعدود» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۲۴؛ فیومی، ۱۴۰۵ ق، ص ۳۹۶). عده زن مطلقه، مدت معدودی است که باید در آن زمان زن از ازدواج با دیگری خودداری کند (فیومی، ۱۴۰۵ ق، ص ۳۹۶)؛ "اذا طلقتم النساء فطلقهن لعدتهن واحصوا العدة" (طلاق ۱) در اصطلاح فقهی عده مقدار زمانی است که زن پس از انحلال نکاح به جهت مرگ شوهر یا به لحاظ اطمینان از پاک بودن رحمش از حمل و یا به جهت تعبد شرعی با فرض یقین به براءت رحم از حمل باید صبر کند و از ازدواج مجدد خودداری نماید» (علامه حلی، بی تا، ص ۱۴۷؛ بحرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۳۹۱).

شهید ثانی می نویسد: عده از دیدگاه شرعی زمان معینی است که در آن زمان زن باید به جهت اطمینان از براءت رحم از حمل یا به سبب مرگ شوهر صبر نماید عده به منظور صیانت نسبتها و جلوگیری از آمیخته شدن آنها با یکدیگر تشریح شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۹، ص ۲۱۳)؛ بنابراین عده به معنای فوق از مفاهیم شرعی و منصوصه است و موضوع شناسی واژگان منصوصه را باید در ادله منصوصه بررسی کرد.

اسباب موجب ثبوت عده

در راستای موضوع شناسی و مصداق یابی عده در موارد مختلف تلقیح مصنوعی نا باید به اختصار درباره اسباب از ایجاد کننده عده تحقیق کرد.

۱. عده طلاق بعد از دخول

چنانچه زنی که هنوز یائسه نشده در زمان، پاکی طلاق داده شد، باید به اندازه سه ظهر (پاکی) عده نگه دارد، پس زمانی که حیض سوم رخ داد، عده وی تمام شده می شود (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۲، ص ۲۱۹) و عده زن مطلقه باردار پایان حمل وی خواهد بود و این حکم به صراحت در آیه شریفه "وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ"؛ زنان آبستن مدتشان این است که وضع حمل کنند (طلاق، ۴) بیان شده است و اگر زنی است که در سن حیض قرار دارد ولی عادت ماهیانه نمی شوند (نجفی ۱۴۰۴ ق، ج ۳۲، ص ۲۳۰). همچنین زنان یائسه با زنانی که وضع آنان روشن، نباشد باید سه ماه عده نگه دارند و این حکم در آیه شریفه "وَاللَّاتِي يَسْنَمِنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نَسَائِكُمْ إِنْ أَرَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّاتِي لَمْ يَحِضْنَ"؛ از زنانان، آنان که از عادت ماهانه مأیوسند اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عده آنان سه ماه است و همچنین است آنها که عادت ماهانه ندیده اند، (طلاق، ۴) (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۲، ص ۲۳۰).

۲. عده وفات

عده زن در صورت وفات همسرش، چهار ماه و ده روز است، خواه ازدواج موقت، خواه دائم و خواه آمیزش صورت گرفته یا نگرفته باشد (نجفی جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۲۷۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۲۷)؛ آیه "وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا" (بقره، ۲۳۴) ولی اگر زن باردار باشد، ملاک عده، طولانی ترین زمان از چهار ماه و ده روز و یا پایان زمان حمل خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۰، ص ۲۰۰ و ج ۳۲، ص ۲۷۵).

۳. عده ازدواج موقت

مدت عده در ازدواج موقت متفاوت است؛ زن بعد از پایان مدت عقد یا بخشش زمان عقد از سوی شوهر عده اش دو حیض است و چنانچه زن در سن حیض باشد ولی حیض نشود عده وی ۴۵ روز خواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۵۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۰، ص ۱۹۶).

۴. عده آمیزش به شبهه

چنانچه مردی با تصور اینکه خانمی همسر وی، است با او آمیزش نماید، زن باید به اندازه عده طلاق یعنی سه ظهر (پاکی) عده نگه دارد و تفاوتی ندارد که زن با خبر باشد که آن شخص همسر وی است و یا با خبر نباشد (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ج ۳۲، ص ۳۷۸ و ۳۷۹).

۵. عده زناکار

اگر زنی زنا کند و به سبب آن باردار شود عده ندارد؛ اما در زمینه عده زن زناکاری که باردار نشده است اختلاف نظر وجود دارد بیشتر فقیهان بر این نظرند که چنین زنی نیز عده ندارد اما برخی برآنند که بنابر احتیاط باید به اندازه یک بار دیدن خون حیض عده نگه دارد (یزدی، ۱۴۱۹، ق، ج ۵، ص ۵۳۲ و ۵۳۳؛ خمینی ۱۳۹۹، ش، ج ۲، ص ۳۷۰).

حکمت تشریح عده

برخی از حکمت‌های تشریح عده در اسلام را می‌توان در امور ذیل برشمرد:

۱- اطمینان از برائت رحم

عده وسیله‌ای برای حفظ نسل و اطمینان از برائت رحم از حمل و جلوگیری از اختلاط انساب است، امام رضا (ع) می‌فرماید: «اما عده المطلقه، ثلاث حیض او ثلاثة اشهر فلاستبراء الرحم من الولد...» (صدوق، ۱۳۸۵، ق: ج ۲، ص ۵۰۸). (علت تعیین زمان عده در زنان مطلقه به سه حیض یا سه ماه به جهت اطمینان از پاک بودن رحم از طفل است). پیرو این امر فقهای امامیه نیز در تعریف عده آورده‌اند: «لتعرف برائته رحمها من الحمل او تعبداً» (بحرانی، بی‌تا: ج ۲۵، ص ۲۳). (زن عده نگه می‌دارد تا از پاک بودن رحمش از حمل آگاهی یابد یا اساساً صبر کردن از ازدواج در مدت عده از باب تعبد است). هرچند حکمت تشریح عده، اطمینان از برائت رحم و جلوگیری از اختلاط انساب است، ولی این امر با تعیین تکلیف شارع در مواردی که برائت رحم نیز معلوم است، منافاتی ندارد، بر این اساس فقها بدون هیچ اختلافی فتوا داده‌اند که آمیزش در دبر نیز موجب لزوم عده می‌شود، هرچند که اطمینان از برائت رحم نیز وجود دارد (نجفی، ۱۹۸۱، م: ج ۳۲، ص ۲۱۲).

۲- امکان رجوع زوج

عده وسیله‌ای برای صلح و بازگشت به زندگی مشترک است، گاهی در اثر عوامل مختلف زمینه روحی زوجین به وضعیتی می‌رسد که با یک اختلاف جزئی و نزاع کوچک حس انتقام‌جویی آن چنان شعله‌ور می‌شود که فروغ عقل و وجدان خاموش شده و به تفرقه می‌انجامد؛ متأسفانه اکثر جدایی‌ها در همین حالات رخ می‌دهد، لذا اسلام به لحاظ اهمیتی که به حفظ کانون خانواده دارد در فاصله زمانی عده به هر یک از زوجین مجال فکر و اندیشه را داده تا در صورت فروکش کردن غضب یا حالت‌های روانی، بتوانند مجدداً به زندگی مشترک ادامه دهند و یکبارگی طلاق میان آنها به جدائی و پایان دوران زوجیت منجر نگردد. لذا خداوند متعال می‌فرماید: «و بعولتهنّ أحقّ بردهنّ إن أرادوا إصلاحاً» (بقره، ۲۲۸). (شوهران آنها در زمان عده حق رجوع دارند، اگر نیت خیر و سازش دارند). در همین راستا دستور عدم خروج زن در زمان عده از خانه شوهر آمده است.

«لانخرجهنّ من بیوتهنّ لعلّ الله یحدث بعد ذلك أمراً» (طلاق، ۱). (آنان را از منزلشان خارج نسازید، چه می‌دانید شاید خدا گشایشی رساند و صلحی پیش آید).

۳- حفظ حیات جنین

تشریح عده در صورت بارداری، وسیله‌ای برای حفظ حیات جنین است. نگهداری عده برای زن باردار در صورت انحلال نکاح یا نزدیکی به شبهه برای جلوگیری از اختلاط نسب نیست؛ زیرا پس از انعقاد نطفه به مدت کوتاهی رحم بسته می‌شود و تا وضع حمل، زن مجدداً نمی‌تواند باردار شود؛ بلکه به نظر می‌رسد لزوم عده در زن باردار برای حفظ حیات جنین است؛ زیرا اگر زن عده نگه ندارد و قبل از وضع حمل، شوهر دیگری نماید؛ شاید شوهر زن را وادار به سقط جنین کند یا بعد از تولد طفل موجبات قتل فرزند را فراهم سازد.

۴- نشانه عزاداری

در عده وفات، احترام به پیوند زناشویی و اظهار حزن و عزاداری بودن از حکمت‌های تشریح عده است؛ هرچند که از منظر اخلاق و آداب رعایت این حکمت در مورد مرگ زن نیز لازم است؛ ولی مراعات این امر بر زوجه به لحاظ رعایت جانب حیاء و عفاف و پرهیز از تنزل شأن زن به مثابه کالائی که مورد تعاطی قرار می‌گیرد مورد تأکید بیشتر و الزام شرعی واقع شده است (طباطبائی، بی تا: ج ۲، ص ۲۴۲). از اینرو در برخی روایات علت تعیین مدت عده وفات به چهار ماه و ده روز اینگونه بیان شده است: «حد اکثر تحمل زنان نسبت به ترک آمیزش در غالب زنان چهار ماه است؛ از این رو عده وفات نیز متناسب با میزان تحمل و بردباری آنان چهار ماه و ده روز تعیین شده است (صدوق، سال ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۸).

زنان فاقد عده

مطابق ماده ۱۱۵۵ ق.م. بر زنان یائسه و غیرمدخوله (زنانی که قبل از آمیزش جنسی طلاق داده شده‌اند) عده واجب نیست و آنها بلافاصله پس از جدائی و انحلال نکاح می‌توانند ازدواج کنند. علت این امر نیز اطمینان از عدم وجود حمل است که احتمال آن در این قبیل زنان منتفی است، این گروه از زنان جزو زنان مطلقه به طلاق بائن هستند (فاضل مقداد، بی تا: ج ۲، ص ۲۶۲).

۱- زنان غیرمدخوله

هرگاه بین زن و شوهر آمیزش جنسی (اعم از قبل یا دُبر) واقع نشده باشد و به دلیلی غیر از مرگ شوهر، ازدواج منحل گردد، بر زن عده واجب نیست، چنانکه آیه شریفه قرآن و روایات معتبر بر این مطلب دلالت دارند. در قرآن آمده: «... ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا» (احزاب، ۴۹). (اگر زنان مومنه را به نکاح خود درآوردید و پیش از آن که با آنان آمیزش کنید طلاقشان دادید، دیگر بر عهده آنها عده‌ای که آن را بشمارید نیست)؛ کلمه «تمسوهن» در جمله «من قبل آن تمسوهن» کنایه از عمل زناشویی است و به معنای مطلق تماس یا خلوت با زوجه نیست. اگرچه ابوحنیفه به آن قائل است (فاضل مقداد، بی تا: ج ۲، ص ۲۶۲). همچنین غیرمدخوله به معنای باکره نیست، بلکه منظور زوجه‌ای است که شوهر بعد از وقوع عقد نکاح بدون نزدیکی، وی را طلاق دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اذا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَلَيْسَ عَلَيْهَا عِدَّةٌ، تَرْوَجُ مِنْ سَاعَتِهَا إِنْ شَاءَتْ وَ تَبَيَّنَ تَطْلِيقُهَا وَاحِدَةً...» (کلینی، ۱۴۱۳ق: ج ۶، ص ۱۰۸؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۱۲۹). (هنگامی که مردی زنی را قبل از آمیزش طلاق دهد، عده‌ای بر آن زن نیست و اگر زن بخواهد، می‌تواند همان ساعت ازدواج کند و با یک طلاق جدا می‌شود...)

۲-زوجه صغیره

به اجماع فقهای امامیه، طلاق دختران نابالغ از انواع طلاق^۳های بائن شمرده شده است (نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۳۲، ص ۱۲۰) هرچند از روی عصیان عمل آمیزش نیز انجام شده باشد؛ زیرا در این مورد نیز احتمال حمل و اختلاط انساب وجود ندارد (بحرانی، بی تا: ج ۲۵، صص ۴۳۲-۴۳۳). امام صادق (ع) فرمود: «ثلاث یتزوجن علی کلّ حال التّی لم تحض مثلها لاتحیض، قال قلت: وما حدّها؟ قال: اذا أتت لها اقلّ من تسع سنین...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۲، ص ۱۷۹؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۲۱۷). (سه گروه از زنان در هر حالی می توانند ازدواج کنند: اول کسی که عادت (حیض) نشده و مانند او نیز نمی شود، پرسیدم: حد آن چیست؟ فرمود: وقتی که کمتر از نه سال داشته باشد و...). ولی با این حال در ماده ۱۱۴۵م. طلاق زوجه صغیره در ردیف طلاقهای بائن ذکر نشده و به نظر می رسد این ماده باید اصلاح شود.

۳-زنان یائسه

در تعیین سن یائسگی میان فقها امامیه اختلاف نظر است، برخی آن را ۶۰ سالگی و گروهی نیز ۵۰ سالگی دانسته اند (نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۳۲، ص ۱۲۰)؛ ولی مشهور فقها به استناد روایات معتبر میان زنان قرشیه و غیر آن تفکیک قائل شده و حدّ یأس را در زنان قرشی ۶۰ سال و غیر آن ۵۰ سال دانسته اند (مامقانی، بی تا: ص ۱۹؛ خمینی، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ص ۳۳۵). براساس این نظریه چنانچه انتساب زن به قریش ثابت نباشد، اصل عدم انتساب است و در نتیجه سن یائسگی ۵۰ سالگی است (یزدی، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ص ۳۱۶؛ سبزواری، بی تا، ص ۶۳). به عقیده مشهور فقهای امامیه بر زن یائسه عده لازم نیست (خوانساری، ۱۳۵۵ق: ج ۴، ص ۵۱۸). ولی در مقابل نظریه مشهور، برخی از فقهای امامیه و تمام فقهای اهل سنت معتقدند: «عده طلاق زنان یائسه، سه ماه است» (علم الهدی، ۱۴۱۵ق: ص ۳۳۴؛ حلبی، ۱۴۱۷ق: ص ۳۲۸). دلیل ایشان، ظاهر آیه قرآن است: «و اللّائى یئسن من المحیض من نساءکم إن ارتبتم فعدتهنّ ثلاثه أشهر و اللّائى لم یحضن...» (طلاق، ۴) (از زنان شما آنان که از حیض شدن ناامیدند، اگر از حیض شدن آنها در تردید هستید، عده طلاق آنان سه ماه است و نیز عده زنانی که حیض ندیده اند سه ماه است).

در تفسیر «إن ارتبتم» برخی می نویسند: «کلمه «ارتیاب» مصدر فعل «ارتبتم» و به معنای شک و تردید است؛ یعنی اگر شما در باره عده این قبیل زنان (یائسه) در شک و تردید هستید و مقدار آن را نمی دانید، پس عده آنان سه ماه است» (طبرسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰-۹، ص ۴۶۱). علت این تفسیر حدیثی است که از طریق اهل سنت در زمان نزول آیه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده: «ابی بن کعب به پیامبر (ص) عرض کرد: ای رسول خدا درباره زنان صغیره، یائسه و زنانی که حیض نمی شوند و زنان باردار در قرآن مطلبی وارد نشده است. پس از این سخن بود که این آیه نازل شد».

لذا صحیح نیست که مقصود از «إن ارتبتم» در آیه، شک و تردید درباره یائسه بودن و غیر یائسه بودن زن باشد؛ زیرا خداوند در این آیه صریحاً حکم عده زنانی که از حیض مایوس اند را بیان کرده و نمی توان به زنی که در حیض شدن خود تردید دارد، عنوان «یائسه» را اطلاق نمود.

ولی مشهور فقها با ضعیف شمردن حدیث اهل تسنن و با استناد به روایات معتبر، قید «إن ارتبتم» را در آیه شریفه به یأس از حیض و حمل مربوط دانسته و معتقدند: هرگاه زن مطلقه در یائسه شدن خود شک و تردید داشته باشد، عده آنان سه ماه می باشد، زیرا ممکن است زنی حیض نبیند، ولی شک داشته باشد که آیا حائض نشدن وی به علت یائسگی است یا به علل دیگر، ایشان زنانی هستند که امثال آنان حیض می بینند، زیرا اگر در سن کسانی بودند که حیض نمی شدند، معنایی برای ارتیاب نبود که در روایت به این مطلب اشاره شده است (بحرانی، بی تا: ج ۲۵، ص ۴۳۴؛ نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۳۲،

ص ۲۳۴؛ یزدی، ۱۴۲۲ق: ج ۶، ص ۸۴). از امام صادق (ع) روایت شده: «سألت عن قول الله عزوجلّ «إن ارتبتم» ما الریبه؟ فقال: مازاد علی شهر فهو ریبه فلتعتد ثلاثة أشهر و لترك الحيض و ما كان فی الشهر لم یزد فی الحيض علی ثلاث حیض فعدها ثلاث حیض» (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۱۵، ص ۴۱۰). (از امام (ع) راجع به معنای ریبه در آیه شریفه «ان ارتبتم» سؤال کردم، امام (ع) فرمودند: هرگاه خون حیض بیش از یک ماه و بیشتر قطع شود این ریبه است و باید سه ماه عده نگاه دارد...).

مشهور فقها افزون بر آیه فوق به روایات دیگری نیز برای اثبات عدم لزوم عده زن یائسه و صغیره استناد کرده‌اند (بحرانی، بی تا: ج ۲۵، ص ۴۳۴؛ نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۳۲، ص ۲۳۴؛ یزدی، ۱۴۲۲ق: ج ۶، ص ۸۴)؛ مانند صحیحہ «حماد بن عثمان» که از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «سالته عن التي قد یست من المحیض و التي لا یحیض مثلها، قال: لیس علیها عده» (همان، ج ۸، ص ۲۱۷). (از امام سؤال کردم درباره زنی که از قاعدگی ناامید شده و زنی که همسالانش عادت نمی‌شود، امام فرمودند: عده بر او نیست)؛ بنابراین بر زنان مطلقه‌ای که امثال آنها عادت نمی‌شوند، عده واجب نیست. شایان ذکر است که عنوان (من یست من المحیض و مثلها لاتحیض) دارای سه مصداق خارجی است. اول دختر صغیره‌ای که به سن قاعدگی نرسیده؛ دوم زنانی که سال‌های قاعدگی را سپری کرده و به سن یائسگی رسیده‌اند؛ این دو گروه قطعاً مصداق عنوان یاد شده هستند و عده بر آنها واجب نیست، سوم زنان نازائی که فاقد رحم هستند که امثال و مشابه آنان نیز حائض و حامل نمی‌شوند، آیا بر این قبیل زنان نیز پس از طلاق یا انحلال نکاح، عده واجب است؟ و اگر واجب است، مقدار آن چه اندازه می‌باشد؟ در ذیل این مسأله بررسی می‌شود کلی وجود ندارد، بلکه در هر مورد و مصداق خاصی باید به ادله خاص آن مورد، رجوع شود؟ بدیهی است در صورت مثبت بودن پاسخ، هرگاه در مورد خاصی (مانند زنان فاقد رحم) دلیلی بر لزوم عده یا نفی آن در دست نباشد باید به استناد قاعده مزبور عده واجب باشد و چون در این مورد اعتدال به عادت ماهانه امکان پذیر نیست ناچار عده این قبیل زنان باید بر حسب شهور انجام گیرد، چنانچه برخی از فقهای مع.

۴- زنان فاقد رحم

از منظر فقهی این سؤال مطرح است که اگر زنی به سن عادت ماهانه رسیده، اما به دلایلی رحم خویش را خارج نماید آیا عده طلاق بر او واجب است؟ قبل از پاسخ این نکته باید روشن گردد که اساساً مقتضای قاعده اولیه مستنبط از ادله و نصوص شرعی در مورد زنان مطلقه چیست؟ آیا مقتضای قاعده مزبور در خصوص تمام زنان مطلقه، وجوب عده و لزوم اعتدال است مگر در موارد استثناء (مانند یائسه و صغیره و...) یا بر عکس چنین قاعده اصر فتوی داده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۳۸۵).

دلایل اثبات عده

ممکن است برای اثبات این قاعده به دلایل ذیل استناد شود:

«یا ایها النبی إذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن و أحصوا العدة» (طلاق، ۱) (ای پیامبر (به مردم بگو) هرگاه زنان را طلاق دهید به وقت عده آنان را طلاق دهید و عده را بشمارید). نحوه استدلال آن است که از یک سو مطابق ظاهر آیه شریفه، طلاق همیشه با تحقق عده همراه است (و أحصوا العدة) و از سوی دیگر عموم و گستره لفظ «النساء» در آیه فوق همه اصناف زنان از جمله زنان فاقد رحم را نیز شامل است، بنابراین به موجب آیه فوق بر این قبیل زنان نیز لازم است که پس از طلاق عده نگاه دارند.

در پاسخ می توان گفت: شمول لفظ «النساء» نسبت به همه اصناف زنان در صورتی صحیح است که قرینه ای متصل یا منفصل وجود نداشته باشد یا حداقل احتمال وجود آن بر تقیید لفظ عام «النساء» به صنف خاصی از زنان نباشد، در حالی که آیه: «واللائئ یسنن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن ثلاثه أشهر» (طلاق، ۴) قرینه آشکاری بر تقیید لفظ (النساء) در آیه اول این سوره به زنانی است که امکان باروری و آبستن شدن را دارند، چرا که در آیه اخیر لزوم عده سه ماهه بر زنانی که دارای عادت ماهانه نیستند، مشروط به «ارتیاب» یعنی شک و تردید آنها در امکان آبستنی و باروری شده است، بنابراین مفهوم مخالف آیه مزبور چنین خواهد بود: با عدم احتمال آبستنی در زنانی که دارای عادت ماهانه نیستند عده بر آنها واجب نیست و این معنی گواه بر تقیید و تخصیص لفظ «النساء» در آیه اول به زنانی است که امکان باروری دارند و حداقل اینکه احتمال نزول همزمان آیات چهار گانه مورد بحث و نیز احتمال اراده شک و تردید در امکان باروری از لفظ «ارتیاب» در آیه مورد بحث، سبب اجمال معنا و احتمال محدودیت لفظ النساء به صنف خاصی از زنان (زنانی که امکان باروری دارند) می باشد، از این رو نمی توان آیه فوق را دلیل بر قاعده ای عام و فراگیر جهت اثبات لزوم عده در تمام زنان مطلقه قرار داد.

«و المطلقات یتربصن بأنفسهن ثلاثه قروء» (بقره، ۲۲۸). (زنان طلاق داده شده باید سه قرء (پاکی) درنگ کنند) لفظ «المطلقات» در این آیه نیز - مانند لفظ «النساء» در آیه قبل - از الفاظ عموم می باشد و شامل کلیه اصناف زنان از جمله زنان فاقد رحم می شود، لذا به موجب آیه فوق حکم عده برای این قبیل زنان نیز ثابت است (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ق: ۲۹۶). به نظر می رسد حکم و وجوب عده در آیه مورد بحث تنها محدود به زنانی است که دارای عادت ماهانه هستند، زیرا لفظ «قرء» فقط در مورد زنانی قابل اعمال است که دوران قاعدگی و پاکی دارند و می توان برای آنها سه دوره پاکی در نظر گرفت، ولی زنانی که امکان عادت (حیض) در آنها وجود ندارد - به دلیل رسیدن به سن یائسگی یا کودکی یا بیرون آوردن رحم - نمی توانند در گستره و عموم این آیه قرار گیرند، و این امر قرینه ای بر تخصیص لفظ «المطلقات» به زنانی که دارای عادت ماهانه هستند خواهد بود، لذا نمی توان برای اثبات قاعده مورد نظر به آیه فوق نیز استناد نمود. برای اثبات قاعده مورد بحث به پاره ای از روایات نیز استدلال شده، از جمله روایت معتبر «داوود بن سرحان» از امام صادق (ع) که فرمودند: «عده المطلقه ثلاثه قروء أو ثلاثه أشهر إن لم تکن تحیض» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۵، ص ۴۲۲). (عده زن طلاق داده شده سه قرء یا سه ماه است، اگر حالت عادت نداشته باشد).

مستفاد از ظاهر حدیث آن است که امام (ع) عده را بر کلیه زنان مطلقه لازم و واجب دانسته اند، با این تفاوت که مدت آن در خصوص زنانی که دارای عادت ماهانه هستند، سه قرء و در مورد کسانی که عادت نمی شوند سه ماه مقرر شده است، بدین لحاظ اطلاق حدیث شامل زنان فاقد رحم نیز خواهد بود و این قبیل زنان نیز باید سه ماه عده نگاه دارند. به این ادعا اینگونه می توان پاسخ داد: اساساً امام (ع) در این حدیث درصدد بیان مدت و زمان عده زنانی که باید عده نگه دارند بوده و نسبت به اینکه کدامیک از اصناف زنان باید سه ماه یا سه قرء عده نگاه دارند مطلبی بیان نکرده اند، بنابراین از نظر قواعد علم اصول، حدیث فوق فاقد اطلاق نسبت به کلیه اصناف زنان خواهد بود و در نتیجه صلاحیت استناد برای اثبات قاعده مورد نظر را نخواهد داشت.

با عنایت به مطالب پیشین آشکار می گردد دلیل فقهی قابل اعتمادی جهت اثبات قاعده ای کلی و عام مبنی بر وجوب عده بر تمام اصناف زنان مطلقه وجود ندارد، تا بتوان در مواردی که نص خاصی در آن مورد نرسیده، جهت اثبات عده به آن قاعده مراجعه نمود (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ق: ۲۹۶).

حال پس از نفی قاعده مزبور و اذعان به عدم وجوب عده بر زنان یائسه و صغیره، جهت تعیین وضعیت عده زنان فاقد رحم، این سؤال مطرح است که آیا از نظر فقهی این قبیل زنان به لحاظ حکم عده ملحق به زنان یائسه هستند؟ بدیهی است در صورت مثبت بودن پاسخ، بر این گروه از زنان نیز عده لازم نخواهد بود. برای اثبات الحاق زنان فاقد رحم به زنان یائسه می توان به گروهی از احادیث استناد نمود.

عده طلاق زنان غیر حامل

شارع مقدس ملاک تعیین زمان عده را در زنان مطلقه عادت ماهانه قرار داده و می فرماید: «و المطلقات یتربصن بأنفسهن ثلاثه قروء» (بقره، ۲۲۸). کلمه «تربص» به معنای انتظار کشیدن و نگهداشتن خویشتن می باشد و کلمه «أنفسهن» نشانگر آن است که زنان باید پس از طلاق خود را از تمکین مردان حفظ نمایند، واژه «قروء» جمع «قراء» در لغت به معنای وقت است، از این رو وقت طهر یا حیض را «قراء» گویند. بدین جهت لفظ «قراء» در لغت از الفاظ مشترک است که دارای دو معنای متضاد؛ پاکی و ناپاکی است. مشهور فقهای امامیه معتقدند مقصود از «قراء» در آیه فوق، طهر است؛ لذا زنان باید پس از طلاق، سه دوران پاکی را به عنوان عده صبر نمایند (بحرانی، ج ۲۵، ص ۳۹۸؛ نجفی، ج ۳۲، ص ۲۱۹). دلیل آن هم برخی از روایات معتبر است، امام باقر (ع) فرمود: «قال: المطلقة اذا رأت الدم من الحيضة الثالثة فقد بانت منه» (کلینی، ۱۴۱۳ق: ج ۶، ص ۸۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۵، ص ۴۲۸). (زن طلاق داده شده پس از سومین خون حیض به طور کلی از مرد جدا می گردد). البته شرط صحت طلاق آن است که در طهر غیرمواقع، واقع شود و آن طهر نیز در احتساب ایام عده به عنوان یک طهر محاسبه می شود؛ بنابراین با شروع حیض سوم، سه دوران پاکی سپری شده است. احادیث فراوانی با مضمون فوق وارد شده اند که دلالت بر نظر مشهور فقها دارد. البته مقدار سه طهر، عده آن گروه از زنان مطلقه ای است که دارای عادت ماهانه منظم هستند، این گروه از زنان کسانی هستند که در دو دفعه متوالی یا بیشتر به طور یکسان خون دیده اند، اعم از این که از نظر زمان شروع یا تعداد روزها یا هر دو مساوی باشند؛ بنابراین عده این قبیل زنان چنانچه آزاد و «مدخول بها» نیز باشند، سه دوران پاکی است.

در ماده ۱۱۵۱ ق.م. آمده: «عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است، مگر این که زن با اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده وی سه ماه می شود».

ولی عده زنان مطلقه ای که به دلایلی چون بیماری، شیردادن و... با اقتضای سن عادت ماهانه نمی شوند سه ماه است؛ این زنان در فقه «ذوات الشهور» و در فارسی «ماه داران» نامیده می شوند. در قرآن کریم آمده: «و اللاتی یئسن من المحیض من نسائکم إن ارتبتم فعدتهن ثلاثه أشهر و اللاتی لم یحضن» (طلاق، ۴)، جمله «واللاتی لم یحضن» عطف بر جمله «واللاتی یئسن من المحیض» می باشد؛ یعنی زنانی که در سن حیض دیدن هستند، ولی حیض نمی بینند، عده طلاق آنها نیز سه ماه است. همچنین امام صادق (ع) نیز می فرماید: «عن أبی عبدالله (ع) قال: عده المرأة التي لا تحيض و المستحاضة التي لا تطهر ثلاثه أشهر» (خمینی، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ص ۳۲۶؛ بحرانی، بی تا: ج ۵، ص ۳۴۸؛ نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۳۲، ص ۲۳۶) (عده زنی که حیض نمی شود (با اقتضای سن) و زن مستحاضه ای که پاک نمی شود، سه ماه است).

به عقیده فقهای امامیه زنانی که برای اولین بار حائض می شوند (مبتدئه)، یا زنانی که چندین بار حائض شده اند، ولی عادت معین و منظمی پیدا نکرده اند (مضطربه)، یا زنانی که عدد ایام عادت ماهانه خود را فراموش کرده اند (ناسیه)، باید برای تعیین زمان عده به بستگان و نزدیکان خود یا صفات خون حیض رجوع کنند و مدت حیض را مشخص سازند؛ در

این صورت مدت عده با سه طهر منقضی می‌شود، در صورت فقدان بستگان و نزدیکان یا نبودن صفات مشخص مانند دسته دوم، عده آنان سه ماه است.

البته در مواردی که عده به ماه تعیین می‌شود، معیار ماه قمری است؛ بنابراین اگر طلاق در اول ماه واقع شود، باید سه ماه متوالی عده نگه دارد؛ اما در موردی که طلاق در بین ماه واقع شود، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. مشهور فقها معتقدند: باید دو ماه قمری عده نگه دارد و نقصان ماه اول را از ماه چهارم تکمیل کند. مثلاً هرگاه طلاق در بیستم ماه واقع شد و آن ماه قمری ۲۹ روز باشد، پس از پایان ماه دوم و سوم قمری بیست روز فوت شده از ماه اول را در ماه چهارم جبران کند (نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۳۲، ص ۲۴۹؛ یزدی، ۱۴۲۳ق: ج ۶، ص ۸۹).

بحث و نتیجه گیری

حکم فقهی و قانونی عده برای زنانی که به علت خارج سازی رحم یا تخمدان فاقد قدرت باروری هستند، از دید فقها محل بحث است و دو دیدگاه عمده در این زمینه وجود دارد. مطابق نظر بسیاری از فقهای امامیه، از جمله امام خمینی، حتی زنانی که رحم خود را برداشته‌اند یا به هر علت امکان بارداری و قاعدگی ندارند، در صورتی که در سن زنان حیض بین باشند، باید عده نگه دارند. دلیل این فتوا بر مبنای اطلاق آیه ۱ سوره طلاق است: «یا ایها النبی إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ...» که امر به عده را شامل همه زنان کرده است. از نگاه این گروه، فلسفه عده منحصر به احتمال بارداری نیست بلکه آثار اجتماعی، عاطفی و حقوقی نیز دارد. در نتیجه بر مبنای این دیدگاه، حتی زن فاقد رحم — چنانچه یائسه نباشد — باید عده طلاق یا وفات را نگهدارد و مدت آن به صورت سه ماهه (عده یائسه) محاسبه می‌شود. شماری از پژوهش‌های نوین فقهی و آرای برخی محققان، با استناد به نصوص و روایات معتبر، معتقدند اگر زنی به دلیل جراحی رحم فاقد امکان قاعدگی و باروری باشد، عده بر او واجب نیست. استناد این گروه به روایات امام صادق (ع) است که فرموده‌اند: «زنی که از قاعدگی ناامید شده یا مثل او قاعده نمی‌شود، بر او عده نیست». آنان عنوان «لا تحيض مثلها» را بر زنان بدون رحم نیز منطبق می‌دانند، زیرا این افراد نیز به طور طبیعی فاقد چرخه قاعدگی هستند. بر اساس این مبنا، ملاک شرعی برای سقوط وجوب عده «عدم قابلیت حمل و حیض» است، نه صرف عنوان سنی یائسگی. در حقوق مدنی ایران، ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی عده وفات را برای همه زنان لازم دانسته و تفاوتی میان زنان بارور و نازا نگذاشته است؛ اما درباره عده طلاق، ماده ۱۱۵۲ تصریح می‌کند که زن یائسه و زنی که با او نزدیکی صورت نگرفته، عده ندارد. از آنجا که زنان فاقد رحم در زمره زنانی هستند که حیض نمی‌بینند و قدرت باروری ندارند، می‌توان تفسیر کرد که از نظر حقوقی، وضعیت آن‌ها مشابه زنان یائسه است و الزام به عده طلاق بر آن‌ها جاری نیست، مگر در مواردی که فقها بر شمول قاعده اطلاق عده تأکید ورزند. از نظر شرعی، نظر مشهور فقهای متأخر بر وجوب عده برای زنانی است که فاقد رحم‌اند ولی به سن زنان حیض بین رسیده‌اند. در مقابل، دیدگاه اقلیت فقهی جدید و تفسیر حقوقی از قانون مدنی ایران، به عدم وجوب عده برای این زنان تمایل دارد، زیرا شرط حیض و امکان بارداری در آنان منتفی است؛ بنابراین در مقام عمل، احتیاط فتوایی اقتضا می‌کند که زنانی که رحم خود را خارج کرده‌اند — ولو از نظر علمی نازا باشند — عده را نگهدارند، مگر فتوای مرجع تقلیدشان به صراحت عدم وجوب عده را بیان کرده باشد.

منابع

- بحرانی، یوسف: «حدائق الناضرة»، قم، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن: «وسائل الشیعه»، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
- حلبی، ابن زهره: «غنیة النزوع»، قم، منشورات مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۷ق.
- حلی (محقق)، یحیی بن سعید: «شرایع الاسلام فی الحلال و الحرام»، قم، انتشارات امیر، ۱۴۰۹ق
- حلی (علامه) حسن بن یوسف بن مطهر: «قواعد الاحکام»، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- خزائی، محمد، احکام قرآن، چاپ پنجم، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱ش.
- خمینی، روح الله: «تحریر الوسیله»، قم، دارالکتب العلمیه، چ دوم، ۱۳۹۰ق.
- راغب اصفهانی، ابالقاسم، المفردات فی غریب القران، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- شهید ثانی، زین الدین عاملی، مسالك الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی: «علل الشرایع»، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین: «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم، دارالکتب الاسلامیه، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- طبرسی، ابوالفضل بن حسن: «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ق.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن: «تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه»، دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۳۶۵.
- علم الهدی، سید مرتضی: «الانتصار»، قم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۵ق.
- فاضل مقداد، جمال الدین سیوری: «کنز العرفان فی فقه القرآن»، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
- فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر الرافضی، چاپ اول، قم، موسسه دارالبهره، ۱۴۰۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب: «فروع الکافی»، بیروت، انتشارات دارالاضواء، چ اول، ۱۴۱۳ق.
- مامقانی، عبدالله: «مناهج المتقین»، بی تا، چ سنگی.
- مکارم شیرازی، ناصر: «استفتائات جدید»، ابوالقاسم علیان نژادی، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب، چ سوم، ۱۳۸۱.
- مؤمن قمی، محمد: «بررسی فقهی حکم زنان بدون رحم»، فصلنامه فقه اهل بیت، تابستان ۱۳۷۴.
- مؤمن قمی، محمد: «کلمات سدیده فی مسائل جدید»، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- نجفی، محمد حسن: «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
- نوری، یحیی، اسلام و عقائد بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران، بنیاد علمی و اسلامی مدرسه الشهدا، ۱۳۶۰ق.
- یزدی، سید محمد کاظم: «عروة الوثقی»، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ق.